

# بیانیه تاسیس جبهه متحد کارگری برای دفاع از مردم فلسطین صفحه ۲

## سایه سیاه جنگ و

### «سلاحشوران» خون و جنون

خالد حاج محمدی

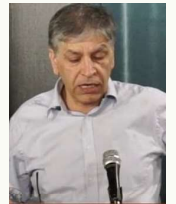
فاجعه امروز دیگر کسی در این واقعیت که دولت فاشیست اسرائیل، به عنوان جنگ طلب ترین دولت منطقه، طی یک سال گذشته سیاست گسترش جنگ به خاورمیانه، از کانال کشیدن پای ایران به جنگ، را تنها راه نجات و بقا هرچند کوتاه مدت خود، در پیش گرفته است، تردیدی ندارد. جنگ با ایران و وارد شدن امریکا و متحدین او به چنین جنگی از نظر هیئت حاکمه اسرائیل تنها راه نجات است. جنگی که نه تنها هیچ دولتی در منطقه که حتی هیئت حاکمه آمریکا، به عنوان حامی و همدست دولت اسرائیل در جنایات همه جانبه آن علیه بشریت، به دلایل مختلف، به نفع خود نمیدانند و خواهان آن نیستند. اما دولت اسرائیل برای این هدف نه تنها در تبلیغات بلکه در عمل، برای تحریک و کشاندن پای جمهوری اسلامی به چنین جنگی هر ریسکی را متحمل شده است. ... صفحه ۲



## ورود طبقه کارگر اروپا به جدال علیه نسل کشی

امان کفا

در حالیکه کشتار و جنایات دولت فاشیست اسرائیل علیه مردم فلسطین در جریان است، در حالیکه دولت مستاصل اسرائیل گسترش دامنه جنگ، ترور بسم و توحش خود در خاورمیانه را در دستور خود قرار داده است، موج اعتراضات عمومی علیه این جنایت و نسل کشی در سراسر جهان ادامه داشته و دارد. اعتراضات عمومی در دفاع از مردم فلسطین، علیه جنایت و نسل کشی دولت نژادپرست اسرائیل و همکاری و همدستی دولت های غربی چنان گسترش یافته است که دیوار بلند سانسور وسیع و همه جانبه میدیای رسمی را شکسته و خود را به سر تیتز اخبارشان تحمیل می کند. دو نمونه اخیر این اعتراضات در اسپانیا و بریتانیا، گوشه ای از ابعاد این جنبش توده ای در دفاع از آزادی مردم فلسطین است. جنبشی که همزمان اعلام میکنند دیگر اعتمادی به «جامعه جهانی» دولت ها، سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی ندارد.



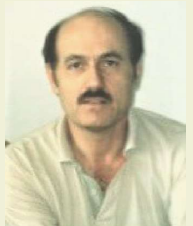
۱- کنگره سراسری اتحادیه های کارگری در بریتانیا:

در بریتانیا که مسئله فلسطین و نسل کشی مردم فلسطین مهر خود را به مثابه یکی از مهمترین مسائل برای مردم در انتخابات اخیر پارلمانی زده بود، دولت تازه به قدرت رسیده لیبر را وادار به عقب نشینی هرچند ظاهری و صوری کرد. دولت لیبر با هدف کم کردن فشار این جنبش، که تأثیرات جدی در شکستن رای او در انتخابات شده بود، اعلام کرد که ۳۰ فقره از جوازهای صدور تسلیحات به اسرائیل را ملغی خواهد کرد و اعتراض خود علیه پرونده افریقای جنوبی علیه نسل کشی دولت اسرائیل را منتفی اعلام کرد. از همان موقع مشخص بود که ادعاهای دولت جدید برای تطهیر پرونده سیاه حمایت خود از نسل کشی در فلسطین و یا مقصر نشان دادن دولت محافظه کار قبلی، برای مردمی که با تظاهرات های چند صد هزار نفره در این کشور خواهان محکومیت این ... صفحه ۴

## خطر چپ؟

مظفر محمدی

جنبش ملی- اسلامی در ایران در مقطعی تلاش کرده است تا بر تن روشنفکران دینی این جنبش، لباس «چپ» بدوزد. آل احمدهای پلاستیکی، طرفداران علی شریعتی، مریدان سید محمود طالقانی، مجاهدین خلق و طیفی از اصلاح طلبان ... از این جمله اند.



آش زمانی شورتر شد که کسانی چون عمادالدین باقی، فائزه رفسنجانی، صادق زیبا کلام، همپالگی های احمدی نژاد و امثال موسوی و از این قبیل، هر کدام با پرونده ی سیاه خود، چپ، منتقد و حتی برانداز نامیده شدند. اما چپ نامیدن بخش هایی از جنبش ملی و اسلامی ایران یک جوک است. جمهوری اسلامی بر دست همه ی این جریانها به اصطلاح نواندیش دینی و اصلاح طلب، آب پاکی ریخته و چهره ی واقعی دین را در خدمت سرمایه، نه تنها به مردم ایران بلکه به جهانیان شناسانده است.

امروز که مبارزه طبقاتی کارگران، جنبش آزادی زن، جنبش جوانان و دانشجویان و اعتراضات تعطیل ناپذیر زحمتکشان فرهنگی و پرستار و باز نشسته، زمین را زیر پای نظام جمهوری اسلامی داغ کرده است، همگی بهم تکیه داده و دیگر از نواندیشی دینی و اصلاح طلبی و اپوزیسیون بازی این طیف هم خبری نیست. همگی دریافته اند که در یک کشتی نشسته و خطر جدی تهدیدشان می کند و این، خطر چپ است. چپی که در تار و پود جامعه تنیده است. چپی که با دین، خرافات، میهن پرستی، ناسیونالیسم و افکار ارتجاعی و مردسالاری در افتاده است. ... صفحه ۵

آزادی برابری حکومت کارگری

الله دست اسرائیل را برای مباران پالایشگاه‌ها و تأسیسات موشکی و اتمی... حکومت ایران باز خواهد گذاشت و این به فروپاشی رژیم اسلامی و پیروزی مردم این کشور بر جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. (تأکیدات از من است)

منشه امیر همان وعده ای را داده است که نتانیاهو به مردم ایران داد. "آزادی" و "نجات مردم ایران" از کانال حمله نظامی اسرائیل به زیر ساختهای اقتصادی، نفت و مراکز اتمی و...! حمله ای که اگر انجام بگیرد، و اگر توفیقی در آن حاصل شود، در اولین قدم دهها هزار کارگر صنعتی ایران در مراکز نفتی، برق و... را قربانی خواهد کرد و اگر تأسیسات اتمی را هم شامل شود عواقب عظیم انسانی آن قابل تصور نیست. مردم در ایران تصاویر دهشتناک مبارانها هدفمند مپ افکنهای امریکایی و اسرائیلی را در عراق، افغانستان، سوریه، لیبی، نوار غزه و بیروت دیده اند و چنین تبلیغات شنیع و بیشرمانه نتانیاهو و صهیونیستهای چون منشه امیر را نه فقط اهانت به شعور خود که دستمایه کشتار خود میدانند.

رضا پهلوی، رهبر اپوزیسیون ناسیونالیسم پرو غربی، به اذعان خود طی يك سال گذشته به دولتهای غربی هشدار داده است که با ایران مدارا نکنند و اقدامی عملی علیه ایران انجام دهند و تأکید کرده است که «سر مار در تهران است». رضا پهلوی در نشست «شورای اسرائیلی- آمریکایی» یهودیان امریکا در ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴ تأکید دارد که، «مسئول تمام کشتارها چه در ایران و چه در اسرائیل خامنه ای حرامزاده است.» میگوید «جمهوری اسلامی قصد ترور ترامپ را داشته و دارد.» و با افتخار اعلام میکنند که، «در تمام تظاهرات بعد از ۷ اکتبر پرچم شیر و خورشید در کنار پرچم اسرائیل بوده است.» رضا پهلوی به نسل کشی، ترور و حمام خون کنونی که به نام "جنگ با حماس" و "حزب الله" در نوار غزه، کرانه باختری و لبنان راه انداخته اند، راضی نیست و میگوید:

«از بین بردن حماس و حزب الله امنیت را تأمین نمیکند و زمان آن است سر اصلی مار را که جمهوری اسلامی است بزنیم.» (تأکیدات از من است)

این دعوت به حمله نظامی دولت اسرائیل به ایران، دعوت به تبدیل ایران به نوار غزه و لبنان به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی را آقای پهلوی بیشرمانه بعنوان خواست مردم در ایران که بارها اعلام کرده اند نه فقط خواهان جنگ نیستند، که آنرا دستمایه طولانی تر شدن عمر جمهوری اسلامی و عقب راندن مبارزه آزادیخواهان خود برای خلاصی از آن هستند، قلمداد میکنند. دعوت رضا پهلوی به حمله نظامی به ایران یکبار دیگر رابطه خصمانه و دشمنی مطلق او و جنبش ارتجاعی او را با خواست آزادی، برابری، رفاه، امنیت و صلح مردم در ایران به نمایش میگذارد.

عبدالله مهتدی نیز، که همیشه از بوی خون و توحش، کشتار و ویرانی جامعه ایران توسط هر دولت جنایتکار غربی، از امریکا تا اسرائیل و عربستان و... جان میگیرد، طی يك سال گذشته جز تمجید از حمله به ایران و چشم پوشی از همه جنایات و قتل عام مردم فلسطین توسط اسرائیل، سیاست دیگری در پیش نگرفته است. او هم پس از تأکید بر شکستهای جمهوری اسلامی در حمله به اسرائیل میگوید:

«هر چه باشد، سر مار در تهران است و تعیین تکلیف با آن و نجات ایران، منطقه و جهان از این مرکز شرارت، وظیفه خود مردم ایران و نیروهای سیاسی آن است»

آقای مهتدی به روال همیشه همان مسیری را در پیش گرفته که دولت فاشیست اسرائیل و رضا پهلوی و هورا کشان جنگ منطقه ای بر دوش امریکا و اسرائیل پیش گرفته اند... ادامه در صفحه بعد

مبارانها در سوریه، عملیاته‌های تروریستی در تهران، کشیدن جنگ به لبنان به بهانه "جنگ با حزب الله" همه و همه بخشی از این سناریوی ارتجاعی اند. حتی ژورنالیستهای نه چندان باوجدان میدیای رسمی در غرب هم قادر به انکار این واقعیت نیستند.

جمهوری اسلامی، بعنوان طرف اصلی این ماجرا، تلاش کرد، ترور هنیه در تهران را دستمایه امتیاز گیری از غرب، بازگشت به برجام و رفع تحریمها، البته با پرچم «صلح» در فلسطین و دفاع از مردم فلسطین، کند. تلاش کرد با این پرچم دروغین به «قهرمان صلح» در دنیای عرب تبدیل شده و از نظر سیاسی برنده اصلی در منطقه باشد. این تلاشها و آرزوها با عدم کاهش فشار دول غربی به جمهوری اسلامی، عدم لغو یا کاهش تحریمها علیه ایران، پوچ از آب درآمد طرح صلح بایدن و تأیید و دفاع وی از حمله دولت اسرائیل به لبنان و کشتار مردم بیگناه آن به سراب تبدیل شد. دلیل تعویق در "انتقام خون هنیه" و "استفاده از حق دفاع از خود" و تهدیدات دیگر جمهوری اسلامی این امید و خریدن زمان برای متحقق کردن این آرزوها بود. حمله موشکی جمهوری اسلامی، حمله صادق ۲، پس از بن بست تلاشها برای توافق با غرب و امتیازگیری ها، انجام گرفت.

امروز مردم ایران، فلسطین، لبنان، کل خاورمیانه و مردم اسرائیل در هراس و نگرانی عمیق از جنگی که میتواند کل منطقه را به آتش بکشد و میلیونها انسان را قربانی بگیرد، جنگی که کنترل دامنه آن را هیچ قدرتی نمیتواند تضمین کند، بسر میبرند. کابوس چنین کشتار، جنون، جنایت و خون و ویرانی، چون ابری سیاه بر فراز خاورمیانه گسترش یافته است و مردم متمدن در سراسر جهان را نگران کرده است. در دل این هراس عمومی از جنگ "سلحشوران" ارتجاعی در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، که فقط بر متن ویرانی و نابودی زندگی میلیونها انسان شانس رسیدن به نان و نوایی را دارند، جان گرفته و شکوفا شده اند. نیروهایی که با هورا کشیدن برای سیاست ارتجاعی هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل و نتانیاهو، قصاب غزه، بر طبل جنگ طلبی میکوبند و آنرا بعنوان مبارزه خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی در بوق و کرنا میکنند، سرسوزنی با راست افراطی و جنگ طلب اسرائیل تفاوت ندارند.

پیشقراولان این صف ارتجاعی در اپوزیسیون ایران علاوه بر مجاهد شامل رضا پهلوی، عبدالله مهتدی، حمید تقوایی و... میشود. سیاستهای این صف این الوقت چیز دیگری جز تکرار تبلیغات جنگی ستاد تبلیغات ارتش اسرائیل و نتانیاهو نیست.

پس از حملات موشکی ایران به اسرائیل در شامگاه دوم اکتبر و تهدیدهای روسای اسرائیل از حمله وسیع به ایران و به مراکز نفتی و صنعتی و هسته ای و...، نتانیاهو در پیامی خطاب به مردم ایران گفت: «کشورتان آزاد میشود، آن روز خیلی زودتر از آنچه فکر میکنید فرا می رسد.»

تهدیدات اسرائیل در حمله به ایران و ادعای «آزادی مردم ایران» توسط یکی از جلادان و قصابان دهها هزار انسان در فلسطین و منطقه، بی تردید مورد نفرت عمومی مردم ایران و منطقه است. اما هواداران او نه تنها در اسرائیل، و در میان مشتکی لمپن و چاقو کش متعصب و مسلح شهرک نشینها، که در میان گروههای حاشیه ای، غیر اجتماعی و سناریو سیاهی اپوزیسیون بورژوازی پرو اسرائیل و پرو ناتوی ایران، از راست تا «چپ»، تحرکی راه انداخته و نور امیدی را در تونل تاریک آینده سیاسی آنها دمید.

منشه امیر، سخنگوی غیر رسمی دولت اسرائیل، در امتداد سیاست دولت نژاد پرست اسرائیل در ۲۳ سپتامبر گفته است:

«رژیم ایران آنقدر در وضعیت شکننده و بحرانی است که وارد جنگ با اسرائیل نخواهد شد. ورود رژیم ایران در جنگ در حمایت از حزب

پوشیده اند و به عنوان سلحشوران چنین سناریوی سیاهی اعلام آمادگی کرده اند. اینها عناصر سناریوی سیاهی هستند که امروز دست راستی ترین دولتها و میدیای آنها هم از به زبان آوردن آن خودداری میکنند.

هیاهوی مقابله آنها با جمهوری اسلامی و راه «رهایی» از آن از کانال چنین سناریوی سیاهی، بیان ماهیت ارتجاعی این جریانها و ضدیت آنها با تمدن، با مدنیت و حتی قوانین بین المللی در حفاظت از غیر نظامیان، در حمله نکردن به زیر ساختهای اقتصادی بدلیل خطر فجایع انسانی آن است. اینها در بی شرمی، در نداشتن هیچ حس انسانی، در بی مسئولیتی، در آرزوهای شوم برای مردم ایران و کل منطقه به شاگردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل شبیه اند.

بر خلاف امیدهای شوم و خونین مشتی مرتجع و شارلاتان سیاسی هوادار جنگ، مردم ایران از عواقب چنین سناریوی آگاه اند. چنین جنگی، مستقل از مشکلات و موانع آن برای دولتهای غربی، اگر به عمر جمهوری اسلامی اضافه نکند، اگر حتی حکومت موجود را در جنگی با دخالت مستقیم امریکا و متحدینش ساقط کند، جامعه ایران را به ویرانه ای تبدیل میکند. همانگونه که سرنگونی صدام عراق را به تباهی کشید. عواقب چنین حمله ای مستقل از میلیونها قربانی، ایران را به محل عروج انواع دارودسته های ارتجاعی و کانگسترهای نظامی، از دستجات حکومت جمهوری اسلامی تا عوامل دول غربی مانند سازمان زحمتکشان، تبدیل میکند.

مردم ایران و منطقه نه تنها مخالف شدید گسترش جنگ در منطقه و از جمله ایران اند که بعلاوه عمیقاً نگران چنین فاجعه ای هستند. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه برای سرنگونی جمهوری اسلامی احتیاجی به دخالت دولتهای فاشیست از جمله اسرائیل و متحدینش ندارند. تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی و سرنگونی آن کار طبقه کارگر و زنان و اقشار محرومی است که سالهاست برای این امر با حکومت ایران در جنگند.

خاورمیانه یک سال است میدان کشتار و جنایت و توحش دولت فاشیست اسرائیل و به نام مبارزه با حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. توحش و جنایات و نسل کشی آنها و حمایتهای همه جانبه دول غربی، به ارتجاع منطقه و از جمله ایران فرجه ای داده است که به نام مخالفت با اسرائیل و با پرچم ریاکارانه «دفاع از مردم فلسطین»، موقعیت منطقه ای خود را بهبود بخشد. همزمان میکوشد با اتکا به این فضای ترس و تبلیغات جنگی وسیع در سطح منطقه، مردم آزادیخواه و اعتراضات همه جانبه را در میان طبقه کارگر، در میان دهها میلیون زن و جوان و انسان آزادیخواه عقب بزند، فقر و محرومیت و گرانی را توجیه کند، فضای نظامی و میلیتاریستی و استبداد سیاسی را بالا ببرد و برای بقا خود زمان بخرد. فقط شیدای مانند حمید تقوایی میتواند منکر چنین واقعیتی شده و جنگ را زمینه ساز انقلاب آتی مردم آزادیخواه ایران قلمداد کند.

بی تردید تنها نیرویی که میتواند در مقابل توحشی که به راه افتاده است، در مقابل کشتار و بمباران و نسل کشی، سد محکمی بنهد، طبقه کارگر و بشریت متمدن در منطقه و جهان است. جنبشی که یک سال است در سراسر جهان علیه کشتار مردم فلسطین، علیه افسار گسیختگی اسرائیل و علیه حمایتهای همه جانبه دولتهای غربی از اسرائیل در جریان است. به هر میزان این جنبش تقویت شود و به هر میزان طبقه کارگر در خاورمیانه و در جهان علیه این اوضاع به میدان بیاید و به ستون فقرات این جنبش تبدیل شود، نه تنها افسار هیئت حاکمه اسرائیل کشیده میشود و هوادارانش منزوی تر میشوند، که بعلاوه دولتهای غربی را وادار به قطع حمایت بی چون و چرای خود از دولت فاشیست اسرائیل میکند. این جنبش با محوریت طبقه کارگر میتواند دست ارتجاع منطقه از ایران و جریانهای اسلامی تا دولتهای فاسد عربی و... را از سوءاستفاده از معضلات مردم فلسطین کوتاه کند و صلح و امنیت را به مردم بازگرداند. پاک کردن جمهوری اسلامی از جغرافیای ایران بدون مقابله با نیروهای ارتجاعی، چپ و راست، ممکن نیست!

تفاوت شاید در جملات به ظاهر دیپلمات مابانه مهدی و «نگرانی» او از اینکه در این مسیر روی «سازمان» زحمتکشان حساب باز نکنند، است. مهدی با رندی تمام این خواست و مطالبه خود از غرب را به نام کمک به مردم ایران و نیروهای سیاسی برای سرنگونی بیان میکنند. او بعد از شکست در آشتی با جمهوری اسلامی، آرزوی سازمان دادن «ارتش آزاد ایران» توسط دولتهای غربی با حضور سازمان مطبوعش در آن است. «ارتش آزاد»ی به مدل «ارتش آزاد سوریه» به کمک غرب سازمان داده و مسلح شود و در حمله نظامی مورد استفاده قرار گیرد. سناریوی مهدی برای به قدرت رسیدن، تبدیل ایران به سوریه و افغانستان و به تباهی کشیدن زندگی میلیونها انسان در ایران و از هم پاشیدن شیرازه زندگی آنها است. باکتری عفونی که فقط بر مت و ویرانی و لجنزار ناشی از جنگ میتواند رشد و زندگی کند.

اما در صف این الوقتهای پرو اسرائیلی و پرو ناتویی، حمید تقوایی و حزب مطبوعش سنگ تمام گذاشته اند. تقوایی در امتداد اعلامیه رسمی جریانش، شاید بی محابا تر و بی شرمانه تر از مهدی و رضا پهلوی، خواهان حمله دولت اسرائیل به ایران است و آنرا در مسیر «رهایی و به ثمر رسیدن انقلاب» مورد نظر خود میداند. او در اول اکتبر و بعد از حمله موشکی ایران، در مصاحبه با محسن ابراهیمی گفته است:

«اما از سوی دیگر موشک پرانی اخیر به اسرائیل نیز با احتمال زیاد با واکنش کوبنده ای از جانب اسرائیل روبرو خواهد شد. و این نیز حکومت فی الحال متزلزل جمهوری اسلامی را بیش از پیش به لرزه مرگ خواهد انداخت.»

او در ادامه و در مورد پاسخ احتمالی اسرائیل و عواقب گسترش جنگ به داخل ایران میگوید:

«... حمله مستقیم اسرائیل این بار حمایت صریح تر آمریکا و دول غربی را نیز با خود دارد و این شرایط حمله قریب الوقوع و کوبنده اسرائیل را بسیار محتمل میکند. ... هر ضربه ای به جمهوری اسلامی مبارزه مردم برای بزیر کشیدن حکومت را تسهیل خواهد کرد. ... بسیاری از انقلابهای عصر ما در شرایط جنگی رخ داده و به پیروزی رسیده اند و در ایران هم میتواند چنین اتفاقی بیفتد»

آقای تقوایی خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی به مدل صدام و از کانال حمله نظامی اسرائیل، امریکا و دول غربی (ناتو) است و بیشمارانه جهنمی که پس از سرنگونی صدام توسط مپ افکنهای ناتو در عراق بوجود آمد را ضربه ای به جمهوری اسلامی و تسهیل مبارزه مردم برای آزادی میخواند. آقای تقوایی یا شید است یا ابله! او و حزب مطبوعش آماده بازیگری در هر سناریوی ارتجاعی علیه مردم و طبقه کارگر در ایران، با پرچم دروغین ضدیت با جمهوری اسلامی، اند! دیروز طرفدار دخالت بشردوستانه امریکا در لیبی، خواهان تکرار سناریوی سوریه در ایران و امروز خواهان تکرار سناریوی نوار غزه و لبنان در ایران اند. یدک کشیدن نام کمونیسم و سوء استفاده از اعتبار کمونیسم کارگری ضرورت مقابله هر کمونیستی را علیه این جریان پرو ناتویی صد چندان میکند. برای مقابله با تبدیل چنین سیاستهای ارتجاعی و ضد اجتماعی به دستمایه تبلیغات ضد کمونیستی هر نیروی ارتجاعی منجمله جمهوری اسلامی علیه کمونیستها، باید در مقابل آن ایستاد و از بشردوستی، از تلاش چند ده ساله کمونیستها برای شکل دادن به یک جنبش آزادیخواهانه با پرچمی انقلابی و رادیکال علیه جمهوری اسلامی دفاع کرد.

این جریانها در دل هراس عمومی برای جنگی همه گیر در منطقه، که به اندازه کافی مپ و اسلحه های مهیب و ترسانانگ برایش آماده شده است، هورا میکشند. اینها از جنگ و ویرانی که پرچمدار آن نتانیاها و قصابان حاکم بر اسرائیل اند، انرژی گرفته اند، لباس رزم

# بیانیه تاسیس جبهه متحد کارگری برای دفاع از مردم فلسطین

مردم فلسطین طی ۷۸ سال گذشته دائماً مورد ستم و جنایات صهیونیسم اشغالگر، از سرکوب سیستماتیک، پاکسازی نژادی، نسل‌کشی، تروریسم سازمان‌یافته دولتی، قتل تا محاصره، مصادره زمین و اموال، تخریب زیرساخت‌ها، بازداشت و شکنجه در زندان‌ها و بازداشتگاهها قرار گرفته‌اند. پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ هولناک‌ترین و خونین‌ترین کشتارهای تاریخ بشریت توسط صهیونیست‌های نژادپرست و فاشیست، با حمایت آمریکا و متحدان امپریالیستی غربی آن‌ها، علیه مردم فلسطین صورت گرفته است. در این مدت، بشریت متمدن موضع اصولی خود را اعلام کرده و جنایات و وحشی‌گری‌های اشغالگران را محکوم کرده است. مردم در پایتخت‌ها و شهرهای مختلف جهان به خیابان‌ها آمده‌اند و از آرمان عادلانه فلسطین و مردم مظلوم فلسطین در برابر نسل‌کشی و جنایات جنگی تجاوزکارانه صهیونیست‌ها حمایت کرده و در برابر خوش‌خدمتی دولت‌های مستبد و ارتجاعی منطقه و جهان که در کنار تروریسم سازمان‌یافته، نژادپرستی و فاشیسم رژیم اشغالگر ایستاده‌اند، عرض اندام کرده‌اند.

طبقه کارگر و همه محرومان در خاورمیانه و شمال آفریقا، در کشورهای عربی و مغرب، از هر ملیتی و گرایش‌های پیشرو، دموکراتیک و مستقل، بخشی مهم و فعال از جنبش جهانی کارگران هستند که در کنار نیروهای مترقی و انساندوست سراسر جهان در حمایت از مردم فلسطین و پیروزی آزادی و کرامت انسانی مردم و کارگران فلسطین ایستاده‌اند. ما، چندین اتحادیه کارگری و سازمان‌ها و شخصیت‌های اتحادیه‌ای که از مردم فلسطین در منطقه عربی و مغرب حمایت

می‌کنیم، در ادامه تلاش‌ها و مواضع اصولی تاکتونی خود در حمایت از مردم فلسطین و برای پایان دادن به نسل‌کشی و تروریسم تجاوزکارانه صهیونیستی که در غزه و سایر مناطق فلسطین در جریان است و همچنین علیه تجاوز تروریستی وحشیانه دولت اسرائیل که لبنان و سایر مناطق منطقه را هدف قرار داده است، تاسیس «جبهه متحد کارگران برای دفاع از مردم فلسطین» را اعلام می‌کنیم. تلاش ما با هدف متحد کردن طبقه کارگر در منطقه و جهان برای پایان دادن به توحش صهیونیست‌ها، اعمال فشار بر حامیان منطقه‌ای و جهانی رژیم فاشیستی و دست راستی اسرائیل و دفاع از زندگی و آزادی مردم مظلوم فلسطین و حق مشروع آن‌ها در مبارزه عادلانه و مقاومت در برابر اشغال با استفاده از همه راه‌ها و ابزارهای موجود در جهت دستیابی به آزادی مردم فلسطین، شکست اشغال و تاسیس دولت مستقل فلسطین با قدس به عنوان پایتخت آن است. تلاش و مبارزه مداوم ما در حمایت از آزادی مردم فلسطین بخشی از مبارزه گسترده تر ما برای اتحاد طبقه کارگر علیه استثمار و توحش سیستم‌های سرمایه‌داری و برای دستیابی به زندگی بهتر و انسانی، برای برابری زنان و مردان و پایان دادن به همه اشکال تبعیض نژادی، ملی و مذهبی و دستیابی به صلح، آسایش، امنیت، ثبات و توسعه مطلوب برای مردم جهان است.

ما با قدرت اتحاد خود و همکاری با سایر سازمان‌های کارگری، مستقل از دولت‌های منطقه و جهان، برای قدرتمند تر کردن طبقه کارگر، تقویت موقعیت این طبقه و تجربیات مقاومت خستگی‌ناپذیر آن، در کنار مردم متمدن، صلح‌طلب و کسانی که در جهان برای آزادی، دموکراسی و پیشرفت مبارزه می‌کنند، تلاش می‌کنیم. تشکیل این جبهه، جبهه متحد کارگری، برای ما موسسین این نهاد، اولین قدم در شکل دادن به یک صف قدرتمند کارگری در خاورمیانه و منطقه برای آزادی مردم فلسطین و مبارزه علیه امپریالیسم و بنیادهای آن است. ما برای دستیابی به این امر دست دوستی و همکاری در راستای مفاد اولیه این سند در دفاع از مردم فلسطین و در دفاع از زندگی بهتر برای طبقه کارگر و همبستگی و اتحاد وسیع برای رفاه عمومی، صلح و آسایش و امنیت در جهان را به سوی همه تشکلهای، نهادهای، شخصیتها و فعالین کارگری و آزادیخواه در سراسر جهان دراز می‌کنیم.

جبهه متحد کارگری برای دفاع از مردم فلسطین  
۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴ ادامه در صفحه آخر

## ورود طبقه کارگر اروپا...

نسل‌کشی و همکاری با اسرائیل هستند، قابل قبول نیست. در این کشور، فشار و انزجار از این شرایط در سطوح مختلف جامعه، بوضوح نمایان بود. فشار جنبش دفاع از مردم فلسطین حزب لیبر را بدلیل سیاستهای دست راستی خود و حمایت بی چون چرا از جنایات دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین چه قبل و چه بعد از انتخابات قابل رویت بود. این حزب نه فقط بخشی از پایه اجتماعی خود را، به دلیل سیاست "در کنار اسرائیل ایستاده ایم"، از دست داده بود که از درون با تشمت و انشقاق جدی روبرو شده بود.

ادامه این فشار را در کنگره سراسری اتحادیه‌های کارگری بریتانیا (TUC) که در ماه سپتامبر برگزار شد، میتوان مشاهده کرد. در حاشیه این کنگره آکسیون‌هایی علیه جنگ و میتینگ‌های جانبی در رابطه با مسئله فلسطین و کشتار در نوار غزه اعلام شدند و مسئله فلسطین و محکومیت دولت اسرائیل کماکان سنگینی خود را به برگزار کنندگان کنگره و دولت لیبر نشان داد.

علیرغم تلاش دولت لیبر برای حاشیه‌ای کردن مسئله فلسطین در این کنگره، دو قطعه‌نامه علیه جنایات دولت اسرائیل و خواست پایان دادن به آن و همچنین علیه ادامه مسلح کردن دولت اسرائیل توسط دولت بریتانیا اعلام شد و به تصویب رسید. نمایندگان و دبیران چندین اتحادیه، منجمله اتحادیه کارگران حمل و نقل و ترانسپورت، اتحادیه آتش نشانی، اتحادیه معلمان مدارس، کالج‌ها و دانشگاهها، اتحادیه خدمات عمومی، و غیره یکی پس از دیگری، در دفاع از قطعه‌نامه‌ها سخنرانی کردند.

در این سخنرانی‌ها، نمایندگان ضمن محکوم کردن کشتار و نسل‌کشی، ادامه جنایات دولت اسرائیل، و همچنین تلاش اسرائیل در گسترش جنگ به لبنان و ایران، اعلام کردند که تصمیم دولت لیبر بر قطع تنها ۳۰ جواز صدور اسلحه بیش از حد ناکافی است و خواهان پایان دادن به هر گونه قرارداد و لغو همه مجوزها و پروژه‌های کمک‌های تسلیحاتی دولت بریتانیا به اسرائیل شدند.

۲- اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته در اسپانیا

جمعه گذشته، به دعوت بیش از ۲۰۰ اتحادیه کارگری و سازمان‌های غیر دولتی اسپانیا اعتصابی ۲۴ ساعته علیه نسل‌کشی و اشغال فلسطین و با خواست قطع روابط با دولت اسرائیل برگزار شد. این اعتصاب به همراه میتینگها و تظاهرات‌های وسیع در مادرید، بارسلون و بلباو و دیگر شهرهای اصلی این کشور و با

بشتیبانی وسیع عمومی برگزار شد. تظاهرات‌های وسیع چند ده هزار نفره در همه جا با شعارهایی نظیر «پاکسازی قومی اسرائیل محکوم است»، «ارسال اسلحه و تقویت نظامی اسرائیل موقوف» و غیره، نه فقط انزجار عمومی از ادامه کشتار و جنایات دولت اسرائیل، و اعتراض به دولت‌های غربی در مسلح کردن اسرائیل و مداخلات و همدستی با این رژیم فاشیستی بود، که ورود طبقه کارگر اسپانیا بعنوان یک طبقه با اتکا به قدرت اقتصادی و اجتماعی خود، اعتصاب را اعلام کرد. سخنرانان در این روز، اعلام کردند که علیرغم به رسمیت شناخته شدن دولت فلسطین توسط دولت اسپانیا، این دولت هنوز قراردادهای نظامی خود را با اسرائیل لغو نکرده و سیاست ریاکارانه و دوپهلوی سایر کشورهای غربی را در پیش گرفته. سیاستی که جز شرکت آنها در این نسل‌کشی و شریک جرم دولت اسرائیل بودن معنای دیگری ندارد. کارمن آرنیز، دبیر اول اتحادیه خدمات اجتماعی در کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، اعلام کرد که "ما در پاسخ به خواسته‌های کارگران فلسطین این اعتصاب را فراخوانده ایم و خواهان جلوگیری از ادامه کشتار هزاران شهروند، زنان و کودکان، و نرمال جلوه دادن این کشتار، فراخوان این اعتصاب عمومی را داده ایم. پیام ما به دولت اسپانیا و دیگر دولت‌ها این است که رابطه با اسرائیل باید فوراً قطع شود".

در همین روز تجمعات اعتراضی در مقابل مراکز سازمانهایی که سلاح و وسایل نظامی به اسرائیل می‌فروشند و همچنین مقابل وزارت امور خارجه اسپانیا در مادرید نیز برگزار شد. شرکت کنندگان در این تجمعات اعلام می‌کردند که نباید منتظر دولت‌ها ماند و ما مردم معترض خود باید در مقابل مداخلات با دولت فاشیستی اسرائیل و مسلح کردن آن بایستیم.

قطعه‌نامه‌های مصوب کنگره سراسری اتحادیه‌های کارگری بریتانیا و پس از آن فراخوان اعتصاب عمومی در اسپانیا در دل وضعیت نابسامان و خطیر در این منطقه، نه فقط مهر بی‌اعتدالی مطلق طبقه کارگر و مردم متمدن در غرب به دولت‌ها، بازهای شنیع دیپلماتیک و ریاکاری‌های آنان را بر خود دارد، که اعلام این خودآگاهی است که تنها راه پایان دادن به این نسل‌کشی و فاشیسم دولت اسرائیل نه در دست دولت‌ها و سیاستمداران بلکه در دست طبقه کارگر و مردم آزادیخواهی است که نفعی در ادامه این جنایت ندارد. طبقه کارگر در بریتانیا و اسپانیا در راس طبقه کارگر جهانی عزم خود برای دخالت مستقیم و مستقل یک طبقه برای پایان دادن به جنایات و توحشی که امروز در خاورمیانه در جریان است، را اعلام کرد.

چپی که خواهان آزادی و برابری است. چپی که در مقابل ارتجاع حکومتی و راست اپوزیسیون به مقابله برخاسته است.

چپ واقعی از قیام بهمن ۵۷ تا امروز موجودیت و معنای دیگری دارد.

بر خلاف تحریف کنندگان انقلاب بهمن ۵۷ که خمینی و اسلامیت ها را انقلابیون سرنگونی محمد رضا پهلوی قلمداد می کنند، اعتصاب کارگران شرکت نفت و بستن شیرهای نفت بود که کمر رژیم شاهی را شکسته و زمینه ی قیام توده ای را فراهم ساخت. قیامی که خمینی در مخالفت با آن اعلام کرد که «من فرمان قیام نداده ام.» بعلاوه تداوم انقلاب در کردستان و مقاومت انقلابی کمونیست ها و کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان علیه ضدانقلاب جمهوری اسلامی شاهی بر حضور گسترده ی چپ و کمونیسم ایران بوده است.

نظام شاهی بیشتر از هر کس خطر چپ و کمونیسم را بیخ گوشش احساس کرد. خطری که تا امروز هم پس مانده های لمپن خانواده ی پهلوی از آن وحشت دارند و شعار مرگش را سر میدهند. ترس از خطر چپ فراتر از مرزهای ایران هم، حامیان نظام کاپیتالیستی در امریکا و غرب را ناچار کرد با عجله شاه را بیرون برده و خمینی و اسلاميون را بر مسند قدرت نشانندند. امریکا و غرب تا همین امروز هم برای جلوگیری از انقلاب کارگری و چپ و کمونیسم در ایران، ادامه ی حیات جمهوری اسلامی را ترجیح می دهد. نظام تبهکار جمهوری اسلامی هم در این مقطع بویژه، تعامل با امریکا و غرب را شعار خود کرده است!

چپ کیست؟

چپ، جنبش کمونیستی و طبقه کارگری است که سهم خود را از رفاه و آزادی می خواهد، به دستمزد کم و تعرض به سفره اش اعتراض دارد. طبقه کارگر می رود تا با ابزارهای اتحاد و قدرت جمعی خود یعنی جنبش مجمع عمومی و شوراهای کارگری، تمام سهم خود را از نظام استثمارگر و تبهکار سرمایه داری پس بگیرد.

چپ، جنبش آزادی زن برای رفع کامل تبعیض جنسیتی و تحقق شعار برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد است. نیروی دختران جوانی است که حجاب اجباری را بعنوان سمیل تحقیر و توهین به خود در میادین شهرها سوزاندند. از سر داشتن حجاب اجباری و سوزاندن آن، به آتش کشیدن یکی از ارکان نظام دین و سرمایه است.

چپ، جنبش جوانان و دانشجویانی است که علیه دیکتاتوری پسا خاسته و با شعار «اصلاح طلب اصولگرا، دیگه هممه ماجرا»، پرونده فریبکارانه و فرصت طلبانه ی اصلاح طلبان برای نجات رژیم را زیر بغل شان داده و مرخص شان کردند.

چپ، جنبش فراگیر زحمتکشان و حقوق بگیران و تهیدستان جامعه است که به زندگی فلاکتبار زیر خط فقر محکوم شده اند و هر روز فریاد اعتراضشان به فقر و بیکاری و تورم و تباهی جسمی و روحی، بلند است. این ها مخاطرات جدی چپ واقعی کارگری و سوسیالیستی است که نه تنها جمهوری اسلامی و همه ی جناح هایش، بلکه بورژوازی حاکم امریکا و غرب از آن در هراس اند. و این ترس واقعی و غیر قابل انکار است. افق این چپ فراتر از دمکراسی خواهی فریبکارانه ی اپوزیسیون بورژوازی ایران است.

آیا این چپ پتانسیل کسب قدرت را دارد؟

موجودیت عینی و پتانسیل مادی نیروی چپ کارگری و کمونیستی و آزادیخواه و برابری طلب که شامل ده ها میلیون کارگر صنعتی و خانواده هایش بعلاوه ی نیروهای بخش بهداشت و خدمات شهری و حمل و نقل، نیروی زنان نصف جامعه ایران، میلیون ها جوان آزادیخواه، میلیون ها حقوق بگیر و زحمتکش اسیر تورم و گرانی و فلاکت... برای سرنگونی جمهوری اسلامی کفایت می کند. اما سرنگونی جمهوری اسلامی تنها نصف راه و نصف کار است. پایان کار نیست. نیرویی که نظام تبهکار جمهوری اسلامی را می اندازد باید از پتانسیل ذهنی و آگاهی طبقاتی و آمادگی سازمانی ای برخوردار باشد که با سرنگونی این نظام، قدرت را به دست بگیرد. به این معنا کسب قدرت، پیروزی کامل و نهایی انقلاب آتی ایران است.

در انقلاب ۵۷ چپ به معنای طبقه کارگر و شوراهایش نقش تعیین کننده در سرنگونی نظام استبداد شاهی را داشت. اما چپ کارگری و کمونیسم اش آمادگی گرفتن قدرت را نداشت. مدعی قدرت نبود. طبقه ای که با بستن شیرهای نفت و تشکیل شورای کارگری گسوی نظام سلطنت را فشرده، به این فکر نکرده بود که با سرنگونی رژیم سلطنت چه نظامی باید حاکم شود. اگر این آگاهی وجود داشت و اگر طبقه کارگر خطر قدرتگیری و اسپرگرای اسلامی را می دید، شاید اعتصاب بزرگ و سرنوشت ساز شرکت نفت را به مدت زمان معین دیگری موکول می کرد. زمانی که رژیم شاه به عقب نشینی و بالا بردن پرچم سفید و تسلیم مجبور شده بود، فرصت تاریخی ای بود تا طبقه کارگر ابزارهای قدرت را بسازد یعنی شوراهایش را به وسعت سراسری طبقه سازمان دهد و حتی حزب کارگری مدعی قدرت را تشکیل دهد. حکومت شاه که پرچم سفید تسلیم برافراشته بود، در موقعیتی نبود که بتواند در مقابل این روند و تحول یعنی تشکل مستقل کارگری و تحزب کمونیستی طبقه بایستد. چپ و کمونیسم در آن زمان کم تر از اسلامگرایی خمینی محبوبیت نداشت. جمع شدن صدها هزار نفر در تهران به فراخوان چریک های فدایی تنها گوشه ای از مقبولیت چپ و کمونیسم بود. ولی چپ شبه کمونیسم چریک های فدایی هم مدعی قدرت نبود و حتی دیدیم که اکثریت این چپ غیرکارگری به ابزار خمینی برای کسب قدرت تبدیل شد. این تجربه ای است که نباید تکرار شود.

شکی نیست قدرت چپ و کمونیسم و طبقه کارگر امروز با دوره ی انقلاب ۵۷ قابل مقایسه نیست. جنبش چپ و طبقه کارگر و کمونیسم اش برخلاف ادعا و خود فریبی حکام جمهوری اسلامی و دشمنان جامعه، به احزاب و جریانات چپ در تبعید خلاصه نمی شود. کمونیسم در ایران جنبشی اجتماعی است که از کارخانه تا دانشگاه ها و مدارس و درون اقشار زحمتکش زن و مرد ریشه دوانیده است. این واقعیتی است که بورژوازی حاکم ایران به آن واقف است و آن را مخاطره جدی علیه خود می بیند.

امروز جنبش چپ و کارگری و کمونیستی ابعاد بسیار گسترده تر، آگاه تر و با تجربه و کارکشته تر دارد. این قدرت اجتماعی و توده ای کارگران و زحمتکشان از توان و قابلیت سرنگونی نظام دیکتاتوری سرمایه داری و دینی برخوردار است، اما اگر واقع بین باشیم هنوز آمادگی و تدارک کافی کسب قدرت را ندارد.

شکی نیست جامعه برای سرنگونی این نظام تبهکار بسیار عجله دارد. زندگی انسان، نان سفره، بهداشت و سلامت و حرمت انسانی توده های کارگر و زحمتکش زن و مرد و جوان در مخاطره ی یک فلاکت تمام عیار قرار گرفته است. این شرایط فلاکتبار و سرکوب عریان، می تواند طغیان ها، شورش و قیام را به دنبال داشته باشد.

اما در دل این تحولات و با همان تعجیلی که برای رهایی از رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در جامعه وجود دارد، طبقه کارگر و کمونیسم اش و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی جامعه باید تدارک و آمادگی لازم برای انقلابی را کسب کند که در نتیجه ی آن قدرت دست طبقه کارگر و توده های زحمتکش بیفتد. تعجیلگرایی ناگزیر جامعه برای رهایی از جمهوری اسلامی، باید در این مسیر بیفتد که طبقه کارگر با جنبش مجمع عمومی و پایه گذاری ابزارهای قدرت یعنی شوراهای کارگری و ایجاد حزب کمونیستی طبقه، رهبری اعتراضات اجتماعی و بویژه جنبش آزادی زن و جنبش سرنگونی را تا پیروزی کامل که کسب قدرت سیاسی است، تامین و تضمین کند.

شرط اصلی این کار هر چه فشرده تر شدن صفوف چپ جامعه است. چپی که به سینه ی ناسیونالیسم ایرانی و قومگرایی، مذهب و خرافات و دمکراسی خواهی فریبکارانه ی اپوزیسیون راست، دست رد می زند و خواهان برابری کامل زن و مرد، تامین رفاه و آزادی های فردی و اجتماعی است. اهدافی که جز با یک انقلاب توده ای از پایین و استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان و توده های محروم و ستم دیده حاصل نمی شود. این وظیفه سرنوشت ساز و تعیین کننده بر عهده طبقه کارگر و کمونیسم اش است که توده های زحمتکش و تحت ستم بویژه زنان اسیر تبعیض و آپارتاید جنسی و جوانان خواهان آزادی و رفاه و خوشبختی را زیر پرچم آزادی، برابری خود جمع کند و از رفعت جنبش های اجتماعی و جنبش سرنگونی زیر پرچم بورژوازی در هر شکل و لباس چه در درون حاکمیت به نام اصلاح گرا و چه اپوزیسیون بورژوازی بطور کلی جلوگیری نماید.

سازمان‌ها و نهادهای مؤسس:

- اتحادیه عمومی اتحادیه‌های کارگری در عراق - عراق
- اتحادیه مبارزه کارگران فلسطین - فلسطین
- کنفدراسیون مستقل اتحادیه‌های کارگری اردن - اردن
- فدراسیون اتحادیه‌های کارگری مستقل سودان - سودان
- روزنامه «پژواک جدید کارگران» - عراق
- روزنامه «صدای کارگران» (کردی) - کردستان عراق
- مجله «مبارزه کارگران» - فلسطین
- اتحادیه عمومی ملی کارگران در لیبی - لیبی
- فدراسیون اتحادیه‌های نفت، گاز و پتروشیمی - عراق
- اتحادیه عمومی کارگران پتروشیمی - فلسطین
- اتحادیه نسل جدید کارگران در موریتانی - موریتانی
- سازمان همبستگی - مراکش
- کنفدراسیون دموکراتیک کار - مراکش
- فدراسیون دموکراتیک کار - مراکش
- اتحادیه ملی برای آموزش / گرایش دموکراتیک - مراکش
- انجمن ATTAC مراکش / عضو شبکه بین‌المللی برای لغو بدهی‌های نامشروع - مراکش
- شبکه جهانی برای قضیه فلسطین / ائتلاف سازمان‌ها از کشورهای مختلف
- حزب سوسیالیست متحد - مراکش
- جبهه مبارزه مردمی فلسطین - فلسطین
- حزب کمونیست کارگری عراق - عراق
- حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی) - ایران
- حزب کمونیست کارگری کردستان - کردستان عراق
- حزب سوسیالیست مصر - مصر

# پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد  
از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال  
یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

[hekmatist.com](http://hekmatist.com)

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیر خانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نینا

